

بسمه تعالی

همایش رشته های حقوق: آسیب ها و توسعه حقوقی



همایش رشته های حقوق: آسیب ها و توسعه حقوقی، که به منظور آسیب شناسی رشته های حقوق در مراکز دانشگاهی در برآورد نیازهای حقوقی کشور و بررسی میزان تناسب وضعیت کنونی منابع، آموزش و جذب دانشجو در رشته های حقوق با اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران، از سوی گروه فقه و حقوق شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، وابسته به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طراحی شده بود، در روزهای دوم و سوم آذرماه ۱۳۸۵، در مشهد مقدس برگزار شد.

همایش مذکور مجموعه متنوعی را از برنامه هایی نظیر: سخنرانی دبیر همایش، سخنرانی ریاست گروه فقه و حقوق شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، اعضای گروه فقه و حقوق، ارائه مقالات منتخب کمیته علمی، میزگرد و پرسش و پاسخ و... در برمی گرفت. در ادامه گزارش مختصری از این برنامه ارائه می شود.

صبح روز پنج شنبه، دوم آذرماه ۱۳۸۵، آمفی تئاتر دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد میزبان صاحب نظران، اساتید، فرهیختگان و دانشجویان علاقمند به مسأله جایگاه رشته حقوق، وضعیت سابق و کنونی این رشته و ظرفیت های آن برای توسعه بود که همایش رشته های حقوق، آسیب ها و توسعه حقوقی، فرصتی را برای هم اندیشی و تبادل نظر در این راستا فراهم آورده بود. پس از قرائت قرآن و سرود جمهوری اسلامی و آغاز رسمی برنامه، دبیر همایش جهت بیان خوش آمد و ارائه گزارش از مقدمات و ضروریات برگزاری همایش در جایگاه حاضر شدند.

خوش آمدگویی و گزارش دبیر همایش (دکتر غلامرضا خواجه) در مراسم افتتاحیه دکتر غلامرضا خواجه، دبیر همایش رشته های حقوق: آسیب ها و توسعه حقوقی، ضمن عرض خیرمقدم و تشکر از حضور میهمانان دبیر همایش با ارائه گزارشی در خصوص هدف ها، دامنه، تعداد مقاله ها و نیز مسائل و مشکلات مربوط به برگزاری همایش بویژه محدودیت زمانی فراخوان

همایش تا زمان برگزاری و محروم ماندن از مجموعه‌ای آرا و نظرات کارآمد و مؤثر، به تجلیل از اعضای شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی بویژه گروه فقه و حقوق پرداختند و این مجموعه را در شمار معدود مراکزی معرفی نمودند که با برگزاری نشست‌ها و جلسات مختلف، هم‌اندیشی‌ها و رایزنی‌های متعدد، چه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و چه در مراکز آموزش عالی شهرستان‌ها، به نقد و بررسی متون و کتب درسی و روش‌ها و شیوه‌های آموزشی پرداخته و به دنبال برطرف ساختن کاستی‌ها و نقائص و اصلاح وضعیت تدوین و تألیف و محتوای متون آموزشی و روش‌های تدریس در زمینه رشته‌های فقه و حقوق و نیز دیگر شاخه‌های علوم انسانی بوده‌اند.



در سخنان دبیر همایش اشاره شد که بنا به ضرورت بازنگری در دیگر رشته‌های علوم انسانی، برگزاری همایش و نشست‌هایی از این دست در دستور کار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و گروه‌های مختلف این مرکز قرار گرفته است؛ همایش رشته‌های حقوق: آسیب‌ها و توسعه حقوقی همچنین کنگره علوم انسانی که در اسفندماه سال جاری شاهد برگزاری آن خواهیم بود از جمله اقداماتی هستند که با هدف ارتقاء وضعیت علوم انسانی، رفع کاستی‌ها و کمبودها، به روز رسانی علوم انسانی و همسازی آن با مقتضیات و شرایط دوران حاضر و هموار نمودن مسیر پیشرفت و اعتلا در این حوزه در دستور کار پژوهشگاه علوم انسانی قرار گرفته‌اند. امید است با شناخت نیازها و ضرورت‌ها در هر یک از رشته‌های علوم انسانی و تبادل آرا و نظرات و عملی ساختن بهترین راهکارها، بتوانیم علوم انسانی را در شایسته‌ترین جایگاه و موقعیت، آنچنان که سزاوار این دسته از معارف بشری است، بیابیم.

سخنان دبیر همایش با ارائه توضیحاتی در خصوص برنامه همایش و استفاده از مقالات رسیده جهت چاپ در مجموعه مقالات مربوط به همایش و سپاس مجدد از حضور میهمانان و نیز ابراز امیدواری برای کسب بهترین نتیجه از این هم‌اندیشی و دستیابی به اهداف منظور خاتمه یافت.

با دعوت دبیر همایش حاضرین به استماع سخنان آیت‌الله هادوی تهرانی (دامت برکاته) پرداختند. سخنرانی آیت‌الله مهدی هادوی تهرانی، عضو شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی و رئیس محترم گروه فقه و حقوق آیت‌الله هادوی تهرانی سخن خویش را با تبریک میلاد حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) آغاز نموده و نیز با بیان جایگاه علمی و ارزشمند عالم بزرگوار آیت‌الله تبریزی درگذشت ایشان را به حاضرین و جامعه علمی و دینی تسلیت گفتند.

دکتر هادوی ضمن پرداختن به سابقه و پیشینه فعالیت شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، وابسته به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به تذکر مقام معظم رهبری در سال‌های گذشته نسبت به وضعیت نامطلوب علوم انسانی و ضرورت بازسازی و احیای آن اشاره کردند که پس از اعلام به وزیر علوم وقت منشاء تلاش برای بازنگری به وضعیت علوم انسانی گردید. با توجه به این تذکر و دستور وزیر علوم برای اتخاذ برنامه و سیاستی جدید به رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلسه‌ای با حضور جمعی از صاحب‌نظران جهت یافتن کاستی‌ها و چاره‌جویی در خصوص رفع آن‌ها تشکیل شد. دستاورد این جلسه برای اصلاح وضعیت علوم انسانی، تشکیل شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی بود که بنا داشت به بررسی کتب درسی و کمک‌درسی در حوزه علوم انسانی و شیوه‌های آموزشی در این شاخه از علوم بپردازد. به منظور کسب نتیجه بهتر و کارسازتر گروه‌های تخصصی، کار بررسی مسائل و کاستی‌های رشته‌های مختلف علوم انسانی را به عهده گرفتند. تعداد این گروه‌ها در شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در حال حاضر دوازده گروه است که رشته‌هایی چون فقه و حقوق، علوم اجتماعی، ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی، علوم سیاسی و ... را پوشش می‌دهد.



ایشان در ادامه به معرفی بیشتر گروه فقه و حقوق پرداختند و اشاره کردند که این گروه امروز با ۷ تا ۹ عضو و حدود ۱۰۰ داور، تا کنون حدود ۱۸ هزار صفحه کتاب‌های حقوق را ارزیابی نموده و نتایج را جهت حذف نارسایی‌ها و تقویت وجوه مثبت و توسعه آن به مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها و نیز مراکز تدوین و نشر کتب حقوقی اطلاع داده است.

دکتر هادوی تهرانی همچنین از برنامه‌های آینده پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از جمله اجلاس اسفند ماه سخن گفتند که بناست در آنها به آسیب‌شناسی رشته‌های مختلف علوم انسانی و شناسایی مشکلات آنها پرداخته شود و شرایطی فراهم آید تا از نظرات تخصصی و کارآمد صاحب‌نظران هر رشته جهت بهبود وضعیت شاخه‌های مختلف علوم انسانی استفاده شود.

رئیس گروه فقه حقوق بررسی متون و کتب علوم انسانی، ضمن بیان وضعیت جهت‌گیری استعدادها در رشته‌های مختلف علوم اعم از علوم انسانی، علوم پایه، فنی مهندسی و ... ، به ابراز تأسف از جایگاه نه‌چندان مطلوب رشته‌های علوم انسانی در میان متقاضیان ادامه تحصیل در دانشگاه پرداخته و اظهار داشتند که علی‌رغم توجه بسیار به رشته‌های علوم انسانی در کشورهای پیشرفته و جایگاه ممتاز این‌دسته از علوم در آنها، وضعیت علوم انسانی را در ایران چندان رضایت‌بخش نیست. از نظر ایشان این وضعیت با توجه به سیاست‌های کشورهای پیشرفته، مدیریت استراتژیک این کشورها و نوع نگاهشان به جهان سوم (به عنوان تولیدکننده و عرضه‌کننده نیروی کار (متخصص و غیر متخصص) قابل توضیح است، چراکه برخلاف شرایط سهل و آسان ادامه تحصیل در رشته‌های فنی و پزشکی، مهندسی و ... در کشورهای پیشرفته برای دانشجویان کشورهای جهان سوم، تحصیل در رشته‌های علوم انسانی در این کشورها برای دانشجویان خارجی چندان آسان نیست. این امر حاکی از اعتبار و اهمیت علوم انسانی در این کشورهاست. علوم انسانی دانش مهندسی جامعه است و بنابراین سزاوار توجه و عنایت بیشتر است.

بنا به تأکید ایشان نظر به اینکه حقوق دانش تسلط بر قانون بوده و جامعه را اداره می‌کند، مدیریت کلان جامعه باید به دست کسانی باشد که با حقوق آشنا بوده و به قانون مسلط باشند. در ایران و با توجه به شرایط جمهوری اسلامی و ماهیت انقلاب ایران، حقوق ارتباط نزدیکی با فقه یافته است و این دو در کنار یکدیگر به خدمت اداره و هدایت جامعه درآمده‌اند و لذا توجه به هر دو ضرورتی آشکار است.



آیت‌الله هادوی در ادامه و با اشاره به بررسی و ارزیابی متون حقوقی طی سال‌های گذشته، اظهار داشتند که علی‌رغم تحولات و پیشرفت‌ها و تغییرات گسترده در حوزه علم حقوق، این متون همچنان بر اسلوب گذشته مانده و به روز نشده‌اند. این کاستی اساسی تقریباً در تمام آثار و منابع در اختیار به زبان فارسی به چشم می‌خورد و موجب شده است که امکان تحقیق براساس دستاوردهای حقوقی جدید یا وجود نداشته باشد و یا بسیار کم باشد. عدم آشنایی و تسلط بر سیستم‌های حقوقی در آثار حقوقی جدید و عدم تسلط بر مصطلحات حقوقی معاصر و تفاوت آن با آنچه در ادبیات حقوقی ما بکار می‌رود، بسیار مشکل ساز شده است. رفع این نقیضه نیازمند تلاش عمومی است و می‌بایست با مطالعات تطبیقی گسترده و انتقال تحولات حقوقی معاصر و مصطلحات جدید به بدنه دانشکده‌ها و مراکز آموزشی حقوقی، امکان پویایی بیشتر را در این حوزه فراهم آورد.

دکتر هادوی در ادامه صحبت از ارتباط نزدیک فقه و حقوق در نظام جمهوری اسلامی ایران و اشاره به کاستی‌ها این دو حوزه اظهار داشتند: فقه، حقوق، اسلامی است و حقوق ایران با آن پیوند یافته است. با این حال جایگاه فقه و رشته‌های حقوق پس از انقلاب آنچنان که مورد انتظار بوده، ارتقا نیافته است. مباحث فقهی نیز متناسب با تحولات جدید و شرایط زمانی، پیش نرفته‌اند. به بیان دیگر ارتباط فقه و حقوق چنان که می‌بایست مؤثر نبوده است. تحقیقات و پژوهش‌های فقهی حوزه‌های علمیه به مجموعه حقوقی منتقل نمی‌شوند، بدنه فقه و حقوقی کشور از اطلاعات روزآمد در حوزه حقوق برخوردار نیست. اگرچه دستاوردهای فقه و فقهات معاصر چندان همراه مقتضیات زمانی نبوده، مجموعه حقوقی از همین موجودی محدود ولی ارزشمند نیز بی‌بهره مانده است. سطح فقه امروز در حوزه‌ها، مانند گذشته نیست و پژوهش‌های معاصر حوزه فقهی و اصولی دستاوردهای قابل توجهی داشته‌اند که متأسفانه به بدنه علمی دانشگاه در حوزه حقوقی منتقل نشده است. این وضعیت و کاستی‌های این ارتباط و پیوند اساسی و مهم ضرورت بازنگری را آشکار می‌سازد.

رئیس گروه فقه و حقوق در ادامه به شماری از کمبودها و نارسایی‌های مؤثر بر ضعف آموزش و کارآمدی رشته حقوق در ایران اشاره نمودند از جمله: کمبود امکانات جدید آموزشی و کمک‌آموزشی در کشور، بدلیل عدم سرمایه‌گذاری برای به خدمت گرفتن ابزارهای نوین تحقیقاتی و بالا بردن سرعت تحقیقات، نبود سایت‌های تخصصی در حوزه فقه و حقوق به تعداد لازم و کارآمد و مفید به لحاظ محتوایی و علمی و مشکلات و کمبودهای دیگر که نیازمند توجه جدی است.

از نظر دکتر هادوی تهرانی چنانچه قانون کشور بدنبال بهره‌گیری از توان تخصصی حوزه‌ها و دانشگاه‌ها و صاحب‌نظران حوزه فقه و حقوق باشد، زمینه ارتقاء دانش و به روزرسانی اطلاعات و

تخصص را برای متخصصان حقوق فراهم می‌سازد، چرا که با ورود این افراد به عرصه تصمیم‌سازی ضرورت پیشروی با مقتضیات زمان بیشتر آشکار شده و با توجه به نیازهای جدید جامعه این افراد خود را موظف به افزایش کیفیت و کارایی دانش و تخصص خود خواهند یافت. ایشان در پایان ابراز امیدواری نمودند که این همایش روزنه‌ای برای طرح ایده‌ها و اندیشه‌های کاربردی بوده و با روشن ساختن اهمیت و جایگاه متخصصان عرصه فقه و حقوق، راه حضور بیشتر آنها را در صحنه علمی و عملی بهره‌گیری از توان نیروهای برجسته این دو حوزه هموار سازد. پس از سخنرانی آیت‌الله هادوی تهرانی (دامت برکاته) از دکتر میرمحمدصادقی دعوت شد در خصوص موضوع همایش و ضرورت آن به سخنرانی بپردازند. لازم به ذکر است ایشان از اعضای کمیته داوری همایش بوده و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی می‌باشند.



سخنرانی دکتر میرمحمدصادقی

دکتر میرمحمدصادقی سخنان خود را با تشکر از تلاش‌های پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از جمله برگزاری چنین همایشی آغاز نموده و در تأیید و ادامه سخنان دکتر هادوی در خصوص جایگاه و ارتباط فقه و حقوق در نظام جمهوری اسلامی اظهار داشتند که با توجه به ماهیت انقلاب ایران و تحولی که براساس مبانی و موازین اسلامی روی داده بود این توقع از ابتدای پیروزی انقلاب وجود داشت که فقه هم در تدوین قوانین و اجرای آن و هم در آموزش حقوق نقش و سهمی داشته باشد.

ایشان همچنین به تفکرات رایج در خصوص ارتباط دو حوزه در سال‌های گذشته اشاره کردند و از دو جریان عمده فکری سخن گفتند:

۱- گروهی که رأی به نفی حقوق می‌دادند و با اعتقاد به کفایت فقه اظهار می‌داشتند که کتب فقهی قادرند به تمام نیازهای کشور پاسخ بدهند و لذا نیازی برای به رسمیت شناختن حقوق وجود ندارد. رگه‌هایی از این اندیشه را هنوز می‌توان در شماری از قوانین ملاحظه نمود.

۲- دسته‌ای دیگر براین بودند که باید سابقه فقهی را نادیده گرفت و از میان مجموعه‌های حقوقی موجود آنچه را که تناسب بیشتری با جامعه و کشور دارد برگزید و مبنای کار قرار داد. به عبارت دیگر این گروه از علم حقوق وارداتی سخن می‌گفتند. از نظر این دسته می‌توان در مورد علم حقوق ترجمه‌ای اندیشید و عمل کرد، همان‌طور که در دیگر تخصص‌ها (نظیر فنی و مهندسی و پزشکی) به سراغ استفاده از یافته‌های دیگر کشورها رفته‌ایم. اگر چه امروزه در این حوزه نیز به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یافته‌ایم که برآمده از تلاش و توان داخلی بوده‌است. در هر حال این اعتقاد هم در ارائه نظرها و اندیشه‌ها، قانون‌نویسی و برخی آرا اندیشمندان قابل مشاهده است.

دکتر میر محمدصادقی شرایط فعلی و وضعیت نامساعد پیوند فقه و حقوق را مورد نقد قرار داده و بیان کردند که هنوز در طرح مطالب فقهی و حقوقی انطباق با مقتضیات و شرایط زمانی لحاظ نمی‌شود، نوعی نگرانی و ترس همواره متون علمی را متأثر ساخته و مانع از نوآوری شده‌است. به نظر ایشان باید شرایط و زمینه‌های آمادگی جهت تغییر و پذیرفتن اسلوب نوین را در حوزه‌های فقهی و حقوقی فراهم نمود. چرا، دیگر تلفیقی میان فقه و حقوق نظیر آنچه در قانون مدنی روی داد مشاهده نشد؟ چرا در قانون مجازات اسلامی اندیشه‌ای برای تلفیق مؤثر این دو حوزه و تشکیل قانون منسجم و یکنواخت و البته به مقتضای شرایط روز و منطبق با اصول و قوانین وجود نداشته است. از نظر ایشان محافظه‌کاری نادرست و تعدهای ناصحیح مانع پیشرفت شده‌اند، ما یا ترجمه‌ای عمل کردیم و یا تقلیدی و با تکرار سنتهای فقهی؛ چنین وضعیتی از سرعت پیشروی و نوآوری می‌کاهد.

داور و عضو کمیته علمی همایش همچنین از ضرورت برگزاری چنین نشست‌هایی در سال‌ها قبل سخن گفته و اظهار داشتند بهبود وضعیت حاضر نیازمند همیاری و مشارکت گروه‌ها و نهادهای مختلف نظیر مجلس شورای اسلامی به عنوان منشاء و مبدأ قانون‌گذاری است. نمایندگان مردم همگی متخصص در حوزه قوانین و حقوق نبوده و نیستند و بنابراین پارلمان ناگزیر است برای وضع بهترین و صحیح‌ترین قوانین همراهی متخصصان قوانین را داشته باشد. ایشان ابراز امیدواری نمودند راه همکاری نهادهای تخصصی با قوه قانونگذاری هموار شده و قوانین مؤثر با قابلیت اجرایی بالا و همچنین با بهترین هماهنگی با مقتضیات جامعه شرایط روز از تصویب نهادها بگذرند.

در ادامه شرکت‌کنندگان در همایش با هدایت هیأت رئیسه به ارائه مقالات خود پرداختند. از میان مجموعه مقالات دریافتی به دبیرخانه همایش، دوازده مقاله برای ارائه در نظر گرفته شده‌بود که مطابق برنامه همایش از سوی نویسندگان طرح و عرضه گردید. خلاصه‌ای از مقالات و محورهای عمده آنها در ادامه خواهد آمد.

اولین مقاله منتخب از میان مجموعه مقالات ارسالی به دبیرخانه همایش، مقاله‌ای تحت عنوان "طراحی رشته‌های میان‌رشته‌ای - طرح توجیهی و برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته حقوق رسانه‌ها"، نوشته دکتر محمد روشن بود.

دکتر محمد روشن رئیس دانشگاه سوره و از اعضای هیات علمی و عضو پژوهشکده‌ی خانواده دانشگاه شهید بهشتی می‌باشند.



دکتر محمد روشن در شروع سخن ضمن بیان نیاز سیستم آموزشی و دانشگاهی به نوآوری و انطباق با نیازهای جامعه پیچیده و روبه رشد امروزی و نیز ارتباط نزدیک پدیده‌های امروزی به ضرورت بازنگری و بازاندیشی در شیوه سنتی رایج در دانشگاه‌ها و برقراری گرایش‌های تحصیلی میان‌رشته‌ای اشاره کردند. و بر این اساس به معرفی طرح خود، مبنی بر نیاز به رشته‌ای چون حقوق رسانه‌ها به عنوان گرایشی میان‌رشته‌ای در دوره کارشناسی ارشد پرداختند.

پیش از ورود به بحث اصلی مطالبی در خصوص مزایا و نکات مثبت ادامه تحصیل در این رشته برای دانشجویان و همچنین نظام اشتغال و نهادهای مختلف مرتبط با این حوزه عنوان شد و سپس طرح توجیهی و برنامه آموزشی در نظر گرفته شده به اطلاع حاضرین در همایش رسید. خلاصه مطالب به قرار ذیل است.

الف- مشخصات کلی دوره

۱- تعریف رشته:

«حقوق رسانه» یا (Media law) از شاخه‌های جدید علم حقوق است که بصورت تخصصی و میان‌رشته‌ای به بررسی حقوقی پدیده رسانه و نظام حقوقی حاکم بر فعالیت رسانه و افراد فعال در این حوزه می‌پردازد.

مجموعه‌ای از شاخه‌های مختلف رشته حقوق اعم از حقوق خصوصی و جزا، حقوق بین‌الملل عمومی و بشری، حقوق مالکیت‌های فکری و سایر رشته‌های مرتبط از قبیل علوم اجتماعی، علوم سیاسی، علوم ارتباطات و ... در مطالعات حوزه رسانه و حقوق رسانه‌ها دارای کاربرد و اهمیت هستند.

لازم به توضیح نیست که اهمیت و کارکردهای متعدد و متنوع پدیده رسانه در جامعه امروزی، تبیین یک چارچوب و نظام حقوقی مناسب بر فعالیت رسانه‌ها را امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری ساخته‌است؛ حقوق رسانه مطالعه و بررسی موارد زیر را مورد توجه قرار داده است.

__ مفهوم رسانه و اهمیت و کارکرد آن در دنیای کنونی

__ مبانی نظری حقوقی رسانه و تاریخچه و سیر تکوین و تحول آن

__ رسانه و مفاهیم اساسی حقوق بشر از قبیل آزادی‌های عمومی، حریم خصوصی، حق بر گردش آزاد و دستیابی به اطلاعات

__ رسانه و مسئولیت کیفری ناشی از فعالیت آنها

__ رسانه، مقررات و محدودیت‌های مالکیت فکری بویژه حقوق ادبی، هنری و حقوق مرتبط

(Related rights)

__ محدودیت‌های فعالیت رسانه‌ها و ضوابط حقوق و تکالیف حرفه‌ای افراد شاغل و فعال در

زمینه رسانه‌ها و اصول و اخلاق حرفه‌ای



۲- اهداف

در تدوین برنامه دوره کارشناسی ارشد حقوق رسانه‌ها، این اهداف مورد توجه بوده‌اند.

__ بررسی و مطالعه تطبیقی رسانه و فعالیت رسانه‌ای از دیدگاه حقوقی و نیز قوانین و مقررات

ملی و معاهدات و اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط با حوزه رسانه

__ چالش‌ها و تنگناهای حقوق رسانه و چشم‌انداز آن در آینده

__ آشنا کردن فعالان عرصه رسانه با حقوق و تکالیف حرفه‌ای خویش

— تربیت متخصصین حقوقدان و کارشناس ارشد جهت انجام فعالیت‌های اجرایی در عرصه رسانه و نیز ارائه خدمات مشاوره‌ای به نهادهای قانون‌گذاری و نظارتی و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در عرصه رسانه‌ها.

۳- خاستگاه برنامه آموزشی

برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد حقوق رسانه‌ها با توجه به برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها، مؤسسات و مراکز معتبر علمی-آموزشی داخلی و خارجی و با لحاظ معیارها و استانداردهای اصولی آنها تدوین و طراحی شده است.

۴- اصول رابردی دوره

دکتر روشن در بیان مبانی و سرلوحه برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد حقوق رسانه‌ها به اصول ذیل اشاره نمودند:

اصل نخست: ارائه آموزش‌های علمی و نظری پیرامون مبانی، تاریخچه، اهداف و چشم‌اندازهای حقوق رسانه‌ها، به گونه‌ای که دانشجویان در پایان دوره توانایی تجزیه و اظهارنظر را در زمینه مباحث و آموزش‌های ارائه شده داشته باشد.

اصل دوم: تربیت قاضی و دادرس ویژه دادگاه مطبوعات بطور اخص و سایر رسانه‌ها بطور عام و نیز کارشناس محقق و پژوهشگر حوزه حقوق رسانه به منظور بررسی و پاسخگویی به نیازها و انتظارات حقوقی و خلاءهای قانونی این حوزه.

اصل سوم: تلاش در جهت آموزش اصولی و آکادمیک مباحث این رشته به کلیه اشخاصی که به نحوی در حوزه رسانه به صورت حرفه‌ای فعالیت می‌کنند.

اصل چهارم: غنی‌سازی و کارآمد کردن نظام حقوقی کشور و پرکردن نواقص و خلاءهای نظام حقوقی در زمینه حقوق رسانه به گونه‌ای که حداقل امکان از برخوردها و رفتارهای سلیقه‌ای و غیر حقوقی مراجع و اشخاص در این حوزه کاسته شود.

۵- ساختار دوره

ماهیت نظری-کاربردی این دوره و ضرورت آزمون توانایی دانشجویان در عرصه عمل و فعالیت حرفه‌ای در محاکم و مراجع اداری و قضایی ایجاب می‌نماید در کنار آموزش مباحث حقوقی و رسانه‌ای بصورت نظری تعدادی واحد عملی نیز در برنامه آموزشی قرار داده شود. بنابراین مجموعاً ۲۰ واحد نظری، ۵ واحد عملی و ۴ واحد عملی پژوهشی (پایان‌نامه) برای این دوره در نظر گرفته شده است. همچنین ۲ واحد پیش‌نیاز برای دانشجویانی که در دوره‌ی کارشناسی واحدهای مورد نیاز را نگذرانده‌اند پیش‌بینی شده است.

۶- شرایط پذیرش دانشجو

شرایط تقریباً مشابه شرایط ادامه تحصیل در سایر مراکز آموزش عالی است.
_ دارا بودن دانشنامه کارشناسی از مراکز معتبر آموزش عالی ایران یا معادل آن از سایر کشورها با

تأیید مراجع ذیصلاح

_ پذیرفته شدن در امتحان ورود و گزینش دانشجو

_ پذیرفته شدن در مصاحبه عمومی و علمی مؤسسه

_ تحصیل تمام وقت در دوره

ب- ضرورت و اهمیت تشکیل دوره

با توجه به نقش اساسی و حیاتی «ارتباطات» و «اطلاعات» در جامعه انسانی و جایگاه رسانه و نفوذ آن در زوایای مختلف زندگی فردی و اجتماعی و نیز احساس ضرورت از سوی نظام‌های حقوقی و قانون‌گذاران آن برای وضع قوانین خاص در حوزه ارتباطات و رسانه با نظر به آرمان‌ها و رسالت تعریف شده برای آنها، پرداختن به این مقوله در نظام دانشگاهی به شیوه‌ای علمی و سیستمیک اهمیت خاصی یافته است. در این خصوص تعیین محدوده چارچوب فعالیت حرفه‌ای رسانه‌ها از سوی مراجع حقوقی و علمی مرتبط مورد توجه قرار گرفته است.



اصول مبانی نظری و حقوقی رسانه‌ها را می‌توان به این ترتیب عنوان کرد:

_ حاکمیت نظام سیاسی و امنیت ملی

_ اخلاق حسنه و عفت عمومی

_ حقوق و حریم خصوصی افراد جامعه

_ جریان آزاد اطلاعات

_ حق دریافت و انتشار آزادانه اطلاعات و اخبار

لازم به ذکر است که فقدان و قوانین شفاف و روشن در زمینه تعیین حدود چارچوب فعالیت رسانه از یک سو و اختیارات و حقوق قانونی رسانه‌ها از سوی دیگر باعث برخوردهای سلیقه‌ای و

بی‌ضابطه از سوی صاحبان قدرت می‌شود که رسالت حرفه‌ای رسانه‌ها و امنیت شغلی فعالان این عرصه را با خطرات جدی مواجه می‌سازد و بنابراین نیازمند توجه خاص است.

مسائل رسانه‌ها در عرصه بین‌المللی (نظیر خبرنگاران و خبرگزاریهای بین‌المللی، بزرگراه‌های اطلاعاتی، پخش مستقیم برنامه‌ها و ماهواره‌ای و ...)، حقوق مالکیت آثار علمی، ادبی و هنری و ... همگی مواردی هستند که ضرورت ایجاد رشته‌ای مستقل به نام حقوق رسانه‌ها را باز می‌نمایاند.

دکتر روشن در ادامه به معرفی مواد امتحانی آزمون کارشناسی ارشد حقوق رسانه‌ها، عنوان دروس و سرفصل‌های پیشنهادی دوره (دروس اصلی و اختیاری و پیش‌نیاز) پرداختند.

ایشان بحث خود را با تأکید دوباره به ضرورت تأسیس چنین رشته‌ای با توجه به شرایط زمانی به پایان بردند. متن کامل مقاله به همراه دیگر مقالات در مجموعه‌ای به چاپ رسیده و در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

پیش از ارائه مقاله بعدی دکتر کوشا، ریاست دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری و از اعضای هیأت رئیسه، ضمن بیان ضرورت برگزاری چنین نشست‌ها و همایش‌هایی جهت آسیب‌شناسی رشته‌های دانشگاهی و اتخاذ تدابیر راهبردی و کاربردی هم‌ساز با مقتضیات زمانی و پیشرفت‌های علمی، از آسیب‌های متوجه رشته حقوق سخن گفتند. ایشان با بیان اینکه اساتید حقوق و کتاب‌های تخصصی این رشته مهمترین اجزا بدنه رشته حقوق به شمار می‌روند اظهار داشتند رفع کاستی‌های این دو حوزه گامی مؤثر جهت ارتقاء وضعیت رشته‌های حقوق و مقابله با آسیب‌های رشته حقوق است. دکتر کوشا با اشاره به ثمره عملی مواد آموزشی و درسی رشته‌های حقوق در جامعه از لزوم بهره‌گیری از اساتید متخصص حوزه‌ای حقوقی در هیأت علمی دانشگاه‌ها به منظور تقویت بدنه رشته حقوق و اخذ نتایج بهتر سخن گفتند. از نظر ایشان هنوز نیازهای دستگاه‌های حقوقی و قضایی آن‌گونه که باید و شاید شناخته نشده و مورد ارزیابی قرار نگرفته است. این وضعیت نگران‌کننده و مستلزم توجه و عنایت بیشتر نهادها و دستگاه‌های مربوط است.



دکتر کوشا همچنین به وضعیت کتاب‌های حقوقی اشاره کردند و توجه به تنوع مخاطبین را اصل اساسی تألیف کتب حقوقی دانستند. از نظر ایشان کتب و شیوه تدریسی که برای دانشجویان رشته حقوق در نظر گرفته می‌شود باید بگونه‌ای باشد که روح و شم مطالعاتی را در دانشجویان زنده نموده او را به پژوهش و تحقیق و پویایی بیشتر در حوزه تحصیلی و آموزشی خود تشویق نماید.

مقاله بعدی با عنوان «ضرورت تقویت حقوق بین‌الملل در برنامه‌ریزی آموزشی رشته‌های حقوق در دانشگاه‌های ایران» و نوشته دکتر فرهاد طلایی، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز برای ارائه در بخش اول برنامه‌های همایش در نظر گرفته شده بود. خلاصه‌ای از این مقاله در ادامه خواهد آمد.

دکتر فرهاد طلایی بحث خود را با اشاره به ضعف آموزش حقوق بین‌الملل در دوره کارشناسی رشته حقوق در دانشگاه‌های ایران، به مثابه پایه تحصیلات تکمیلی، آغاز نمودند و چنین عنوان کردند که با توجه به توسعه و تحولات جهان معاصر و تحول رشته حقوق بین‌الملل در دهه‌های گذشته برخورداری از دانش کافی و اساسی در این زمینه برای هر حقوقدانی ضروری است. بر این اساس مقاله ایشان ابتدا به بیان اهمیت آموزش و پژوهش در زمینه حقوق بین‌الملل از دیدگاه سازمان ملل متحد، بویژه قطعنامه‌های مربوط به مجمع عمومی پرداخته و سپس با تأکید بر اجرای کامل و دقیق این قطعنامه‌ها در ایران شیوه‌های گوناگون تقویت دروس حقوق بین‌الملل را در برنامه‌ریزی آموزشی رشته‌های حقوق در دانشگاه‌های کشور بررسی نموده و شیوه تدریس و چگونگی ارائه مطالب و محتوای دروس را به بحث می‌گذارد. دکتر طلایی در مقاله خود همچنین برنامه‌های دوره کارشناسی ارشد و دکترای حقوق بین‌الملل عمومی را در ایران مورد نقد قرار می‌دهد.

از نظر ایشان موقعیت ایران به عنوان عضو کمیته مشورتی سازمان ملل برای ارائه کمک در جهت «آموزش، مطالعه، انتشار و درک گسترده‌تر از حقوق بین‌الملل» می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای جایگاه حقوق بین‌الملل در ایران بویژه در بازنگری فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشکده‌های حقوق ایفا نماید.

نویسنده مقاله بعلاوه با اشاره به سابقه وضعیت آموزش حقوق بین‌الملل در مراکز علمی کشور از ضرورت به روزرسانی و همسویی با تحولات جهانی در این حوزه و هماهنگی با پیشرفت‌های جدید سخن گفتند و این اقدام را مقدمه‌ای جهت دستیابی به نظم حقوقی جهانی دانستند. پس از مقدمه، بحث اصلی مقاله با بررسی اسناد سازمان ملل متحد در خصوص ضرورت آموزش حقوق بین‌الملل و گسترش آن آغاز می‌شود.

از آنجا که یکی از وظایف سازمان ملل رشد و توسعه قواعد حقوق بین‌الملل و گسترش احترام به این قواعد از سوی دولت‌های جهان است، بدیهی است که در این راستا مسأله آموزش و پژوهش در حوزه حقوق بین‌الملل اهمیت قابل توجهی داشته باشد. نمونه‌های عینی توجه به این ضرورت را می‌توان در شماری از نهادهای بین‌المللی چون سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد - یونسکو - آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه و نیز قطعنامه‌های مجمع عمومی مشاهده نمود. مجمع عمومی از سال ۱۹۶۸ برنامه "ارائه کمک‌های فنی برای آموزش، مطالعه، انتشار و درک گسترده حقوق بین‌الملل" را برقرار نموده و این برنامه را در چارچوب قطعنامه‌هایی با همین عنوان در سطح بین‌المللی به اجرا در می‌آورد. در مقاله دکتر فرهادی شماری از مهم‌ترین قطعنامه‌های مرتبط به این حوزه معرفی شده و مورد بررسی قرار گرفته اند.



الف - قطعنامه‌های اولیه مجمع عمومی و سری قطعنامه‌هایی با عنوان "برنامه سازمان ملل متحد برای ارائه کمک به آموزش، مطالعه، انتشار و درک گسترده‌تر از حقوق بین‌الملل.

۱- قطعنامه ۱۳۷ مجمع عمومی ۱۷ نوامبر ۱۹۴۶، (II)

آموزش اهداف و اصول، ساختار و فعالیت سازمان ملل متحد در مدارس دولت‌های عضو.

از جمله نکات عمده قطعنامه می‌تواند به این موارد اشاره کرد:

__ تأکید بر این نکته که آگاهی از اهداف و فعالیت‌های سازمان ملل برای ترویج و تضمین نفع عمومی و حمایت کامل از کارکرد آن اساسی است.

__ تقاضا از کشورهای عضو سازمان برای آموزش منشور سازمان ملل، اهداف و اصول، ساختار و پیشینه فعالیت این سازمان در مدارس و مؤسسات آموزش عالی کشورهای مربوط، بویژه آموزش در مدارس ابتدایی و متوسطه

__ تقاضا از یونسکو برای همکاری و کمک به دولت‌های عضو در اجرای این برنامه

۲- قطعنامه ۱۷۶، ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ (III)

آموزش حقوق بین‌الملل

این قطعنامه با تأکید بر آموزش، آنرا ابزاری مؤثر برای توسعه حقوق بین‌الملل و آشناسازی مردم جهان با اصول و قواعد حاکم بر روابط بین‌الملل معرفی می‌نماید و از دولت‌های عضو می‌خواهد اقدامات مقتضی را برای آموزش حقوق بین‌الملل در تمام مراحل آن، توسعه و تدوین، در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اتخاذ نموده و این آموزش‌ها را گسترش دهند و با دبیرکل سازمان ملل در زمینه توسعه حقوق بین‌الملل و تدوین آن همکاری نمایند.

۳- قطعنامه ۱۸۱۶، ۱۸ دسامبر ۱۹۶۲ (XVII)

ارائه کمک‌ها فنی برای ترویج آموزش، مطالعه، انتشار و درک گسترده‌تر حقوق بین‌الملل. قطعنامه از دولت‌های عضو می‌خواهد برنامه گسترده‌ای را جهت آموزش حقوق بین‌الملل، از جمله ارائه سمینارها، اعطای بورس و تبادل اساتید، دانشجویان و پژوهشگران، نشریات و کتب در حوزه حقوق بین‌الملل در پیش گیرند؛ همچنین از دبیر کل و دبیر یونسکو خواسته شده با مشورت با دولت‌های عضو راه‌های اجرای مؤثر و توسعه چنین برنامه‌هایی را مورد مطالعه قرار دهند.

۴- قطعنامه ۱۹۶۸، ۱۶ دسامبر ۱۹۶۳ (XVIII)

ارائه کمک‌های فنی برای ترویج آموزش، مطالعات و انتشار گسترده‌تر حقوق بین‌الملل در این قطعنامه آمده است که "ترویج، انتشار و درک گسترده‌تر حقوق بین‌الملل و آموزش (تدریس) آن در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و گسترش روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها مؤثر می‌باشد." بر این اساس کمیته‌ای ویژه برای ارائه کمک‌های فنی برای ترویج، آموزش ... تشکیل می‌گردد تا طرح‌ها و پیشنهادهای عملی را برای دولت‌های عضو در خصوص دوره‌های آموزشی حقوق بین‌الملل معرفی نماید.

۵- قطعنامه ۲۰۹۹، ۲۰ دسامبر ۱۹۶۵ (XX)

مقدمه قطعنامه ارتقاء دانش حقوق بین‌الملل را زمینه‌ساز تقویت صلح و امنیت بین‌المللی و ترویج روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها می‌داند و مقرر می‌سازد اشکال گوناگون ارائه کمک و همکاری مستقیم در زمینه حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار گیرد.

۶- قطعنامه ۳۱۰۶، ۱۲ دسامبر ۱۹۷۳ (XXVIII)

برنامه ارائه کمک‌های فنی برای ترویج آموزش، مطالعه، انتشار و درک گسترده‌تر حقوق بین‌الملل قطعنامه ضمن تأکید برای ارتقاء جایگاه حقوق بین‌الملل در آموزش رشته‌های حقوقی دانشگاه‌های کشورهای عضو، از آنها جهت حمایت بیشتر از برنامه، همکاری می‌خواهد. (اعم از مالی و غیرمالی).

۷- قطعنامه‌های ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۵ مجمع عمومی در زمینه برنامه "ارائه کمک‌های فنی برای

ترویج آموزش، مطالعه، انتشار و درک گسترده‌تر حقوق بین‌الملل"

این مجموعه عموماً بر نکات تصریح شده قطعنامه‌های گذشته تأکید داشته و از نهادهایی چون یونسکو، مؤسسه سازمان ملل متحد برای آموزش و پژوهش، آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه برای مشارکت آن‌ها در اجرای برنامه‌ها قدردانی نموده است.

در قطعنامه ۱۹۹۱ به افزایش تعداد اعضای کمیته مشورتی از ۱۳ عضو به ۲۵ عضو اشاره می‌شود. اعضای این کمیته برای دوره‌ای ۴ ساله از سوی مجمع انتخاب می‌شوند. وظیفه کمیته مشورتی ارائه توصیه‌های لازم در خصوص چگونگی اجرای مؤثر برنامه و ارائه راهکارهای متنوع و کاربردی در زمینه تقویت اجرای برنامه‌هاست.

ب- قطعنامه‌های مجمع عمومی در چارچوب دهه حقوق بین‌الملل ۱۹۹۰-۱۹۹۹

قطعنامه ۴۴/۲۳، ۱۷ نوامبر ۱۹۸۹

__ معرفی دهه ۱۹۹۰-۱۹۹۹ به عنوان «دهه سازمان ملل متحد برای حقوق بین‌الملل»

__ به رسمیت شناختن نقش سازمان ملل در ترویج و پذیرش گسترده‌تر حقوق بین‌الملل و احترام به این اصول و نقش سازمان در تشویق و توسعه ترویجی حقوق بین‌الملل و تدوین آن در روابط بین‌الملل.

__ تأکید بر ترویج راه‌ها و روش‌های حل مسالمت‌آمیز اختلافات میان دولت‌ها و ...

ج- قطعنامه ۴۵/۴۰، ۲۸ نوامبر ۱۹۹۰

تأکید اهداف قطعنامه ۴۴/۲۳ مجمع عمومی در نوامبر ۱۹۸۹.

اعلام برنامه اولین دوره دهه و ارائه پیشنهادها و راهکارهایی جهت تشویق آموزش، مطالعه، انتشار و درک گسترده‌تر حقوق بین‌الملل به کمیته مشورتی، دولت‌ها، سازمان‌های وابسته به سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای و ...

پس از تشریح مفاد این قطعنامه‌ها و ذکر شماری دیگر از قطعنامه‌های مجمع عمومی در دهه حقوق بین‌الملل، نویسنده مقاله به بررسی جایگاه حقوق بین‌الملل در برنامه آموزشی کشور پرداخته و از ضرورت تقویت دانشکده‌های حقوق در کشور سخن گفتند. دکتر طلایی در مجموعه‌ای از شرایط را جهت دستیابی رشته حقوق بین‌الملل به وضعیت مطلوب و مترقی مورد بحث قرار دادند. شماری از این مقدمات به قرار زیر است:

__ ضرورت دستیابی به اهداف آموزش حقوق بین‌الملل (آشنا ساختن دانشجویان با تابعان حقوق بین‌الملل و تحلیل آنها)

__ ضرورت دستیابی به اهداف آموزش حقوق بین‌الملل

__ ضرورت استفاده از اساتید باتجربه و متخصص در زمینه حقوق بین‌الملل

__ ضرورت گسترش تفکر تحلیل‌گرایانه، لزوم بازنگری در شیوه سنتی آموزش

— ضرورت استفاده از شیوه‌های عملی در آموزش

— ضرورت تقویت مهارت‌های رایانه‌ای و زبان‌های خارجی

در پایان مقاله به نقش ایران به عنوان عضو کمیته مشورتی آموزش حقوق بین‌الملل در گسترش و توسعه حقوق بین‌الملل اشاره شده و پیشنهادهای برای ارتقاء آموزش این رشته ارائه گردیده است: از جمله برگزاری دوره‌های آموزشی رایگان حقوق بین‌الملل برای عموم مردم، آموزش حقوق بین‌الملل در سطوح دوره‌های ابتدایی (متوسطه، آشنا نمودن دانش‌آموزان با اهداف و ساختار سازمان ملل و ...).

نتیجه اینکه مباحث مقاله اذعان به ضرورت آموزش حقوق بین‌الملل هم به عنوان تعهدی پذیرفته شده در سطح جامعه بین‌الملل و اعضای سازمان ملل متحد و هم به عنوان وسیله‌ای جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و رشد و توسعه کشورها و لزوم بازنگری در جایگاه این رشته در دانشکده‌های کشور بود. در این راستا بهره‌گیری از اساتید برجسته و متخصص در این حوزه، ارتباط با نهادهای حقوقی بین‌المللی و استفاده از تجربیات آنها در حوزه حقوق بین‌الملل، استفاده از شیوه‌های نوین آموزشی و ... نتیجه‌بخش خواهد بود.

پس از پایان ارائه مقاله دکتر طلایی، دکتر موسوی، از اعضای هیأت رئیسه، در تأیید سخنان دکتر طلایی و ضرورت بازنگری و رویکردی جدید به وضعیت آموزش حقوق بین‌الملل در ایران به ضعف منابع داخلی در این حوزه و ندرت مطالعات تطبیقی حقوق بین‌الملل و حقوق اسلامی اشاره نمودند. از نگاه ایشان پرداختن به حقوق بین‌الملل از منظر اسلام و بهره‌گیری از آگاهان این دو حوزه، حقوق بین‌الملل معاصر و جدید و حقوق اسلام، ضرورتی قابل توجه است.

با نزدیک شدن به زمان نماز ظهر، بخش اول برنامه‌های همایش به پایان رسید و از میهمانان خواسته شد پس از اقامه نماز، صرف نهار و استراحت جهت پیگیری ادامه برنامه‌ها، ساعت ۱۴ در سالن محل برگزاری همایش حضور بهم رسانند.

بخش دوم برنامه‌های همایش در ساعت ۱۴ و با استقرار هیأت رئیسه و دعوت از دکتر منوچهر توسلی نائینی برای ارائه مقاله آغاز شد.

آسیب‌شناسی رشته‌های حقوق با توجه به بررسی تطبیقی آموزش رشته‌های حقوق در ایران و فرانسه

دکتر توسلی نائینی استادیار و مدیر گروه حقوق دانشگاه شهر کرد.

دکتر توسلی در مقدمه مقاله خود به پیشینه و سابقه مدارس حقوق و آموزش حقوق در ایران به سبک جدید اشاره کرده و آغاز این جریان را اواخر دوره قاجاریه و حاصل تلاش تحصیل‌کنندگان

ایرانی در فرانسه و مکزیک دانستند. به این ترتیب حقوق ایران علاوه بر گرایش به سمت حقوق اسلامی، از بعضی سنت‌های حقوق رومی-ژرمنی نیز متأثر گردید.

با این حال وضعیت حقوق ایران در مقایسه با کشورهای پیشرفته، به لحاظ تدریس، کار عملی، پویایی و روزآمدی، محتوا و منابع و ...، چندان رضایت‌بخش نبوده و نیازمند بررسی جدی است. هدف مقاله بررسی آسیب‌های رشته حقوق ایران در جریان مطالعه تطبیقی و مقایسه‌ای آن با وضعیت حقوق در فرانسه است.

الف) سابقه آموزش حقوق در ایران

این مبحث در دو بخش تاریخچه رشته حقوق و آموزش رشته حقوق در ایران ارائه می‌شود.

۱- تاریخچه رشته حقوق در ایران

در گذشته مباحث حقوقی در ایران عموماً به دلیل ارتباط نزدیکش با فقه، در مدرس طلبگی و به سبک خاص حوزه‌های علمیه مورد مطالعه، بررسی، تدریس و آموزش قرار می‌گرفت.

در زمان قاجاریه تشکیل مدارس جدید در حوزه علوم اجتماعی مطرح می‌شود. شماری از تحصیل‌کردگان خارج از کشور با پیگیری نواندیشان و اصلاح‌طلبان داخلی به تأسیس مدارس جدید همت گماشتند. نهایتاً در ۱۲۹۸ اولین مدرسه عالی حقوق در کشور رسماً تأسیس می‌گردد، اولین اساتید در رشته‌های حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق تطبیقی، حقوق جنایی و اقتصاد از فرانسه استخدام و به ایران اعزام می‌گردند. سال ۱۳۰۰ شماری مدارس ایرانی نیز در این مرکز مشغول به کار می‌شوند.

سال ۱۳۰۶، دو مدرسه عالی سیاسی و حقوق در یکدیگر ادغام شدند. مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی دو شعبه علوم قضایی و علوم اداری داشت. در کنار مدرسه حقوق و علوم سیاسی، دوره‌های آموزشی نیز در عدلیه برقرار شده بود تا کمبود فارغ‌التحصیلان مدرسه را نسبت به نیازهای عدلیه جبران نماید.

در اسفند ۱۳۱۲ با پیوستن مدرسه عالی تجارت به مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی، دانشکده حقوق رسماً گشایش می‌یابد. این دانشکده تا ۱۳۲۰ تنها دانشکده حقوق در ایران محسوب می‌شده است.

در سال ۱۳۲۵ با تأسیس دانشگاه ملی ایران، دانشکده حقوق این دانشگاه، دومین مرکز آموزش عالی حقوق کشور شد. دهه ۵۰ و ۶۰ مجتمع آموزش عالی قم دانشکده حقوق شیراز گشایش یافتند. دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، دانشکده افسری، و مراکز دادگستری نیز در مسیر آموزش حقوق قرار گرفتند گسترش رشته حقوق در سطح دانشگاه‌های و مراکز آموزش کشور در مقاطع مختلف تا به امروز ادامه داشته است.

۲- آموزش رشته حقوق در ایران

در این قسمت نویسنده مقاله به برنامه آموزشی، نوع دروس و محتوای آن در دوره کارشناسی و تحصیلات تکمیلی می‌پردازند. به گفته ایشان دروس دوره کارشناسی رشته حقوق در ایران در ۱۳۶ تا ۱۳۸ واحد ارائه می‌شود (۲۱ واحد دروس عمومی، ۱۵ واحد دروس پایه، ۶ واحد اختیاری و ۹۴ واحد تخصصی).

به لحاظ محتوا، ۴ دسته دروس عمومی، پایه، تخصصی و اصلی اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. به عبارت دیگر: دروس عمومی به منظور توسعه اطلاعات و معلومات عمومی، دروس پایه به منظور تقویت بنیه علمی و ایجاد پیش‌زمینه برای دروس اصلی و تخصصی، دروس اصلی به عنوان اساس و مبنای دروس تخصصی و دروس تخصصی جهت ارتقا کارآیی علمی و عملی دانشجویان ارائه می‌شوند. دروس عملی رشته حقوق شامل کار تحقیقی (۲۱) و کارآموزی قضایی است.

دکتر توسلی در ادامه به کمبود کتب آموزشی جدید و منابع درسی اشاره کرده و اظهار داشتند که مواد درسی و منابع این رشته تناسبی با پیچیدگی‌ها و نیازهای جدید و نیز حجم و تنوع موضوعات اجتماعی ندارد. به نظر ایشان عدم وجود کتابخانه تخصصی و نشریات منظم از دیگر مسایل مبتلابه آموزش رشته حقوق در کشور بوده و نیازمند توجه جدی است.

تدریس حقوق در کلاس درس بصورت تجزیه و تحلیل قوانین و مبتنی بر تئوری‌های حقوقی است. از دانش‌آموختگان این رشته انتظارات می‌رود خلاقیت ذهنی، جسارت و قدرت استدلال خود را تقویت نموده و تسلط خود را به زبان و ادبیات افزایش دهند. ضعف چنین آموزش‌هایی در دوره کارشناسی احساس می‌شود و به این ترتیب رویکردی اصلاحی را می‌طلبد.

در دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته ۲۸ تا ۳۰ و کارشناسی ارشد پیوسته ۱۷۲ تا ۱۸۲ واحد درسی ارائه می‌شود. تعداد واحدهای دوره دکتری نیز ۴۲ تا ۵۰ واحد درسی مشتمل بر واحدهای آموزشی و پژوهشی است.

ب- سابقه رشته حقوق در فرانسه

۱- تاریخچه رشته حقوق

رشته حقوق در فرانسه سابقه دیرینه دارد. زمانی حقوق رم به عنوان حقوق موضوعه در جنوب فرانسه، حقوق ژرمن به عنوان حقوق عرفی در شمال این کشور و حقوق کلیسایی در کل کشور و دادگاه‌های کلیسایی اجرا می‌شد. حقوق رم جنبه‌های فنی حقوق، حقوق ژرمن راه‌حل‌های معمولی و شیوه محاکمات را ارائه می‌کردند و حقوق کلیسایی در حقوق خانواده و محاکمات جزایی تأثیر داشت.

از قرن سیزدهم دانشگاه‌ها برای وحدت و تجدید حیات حقوق در فرانسه وارد عمل می‌شوند. آغاز تدریس حقوق ملی در فرانسه قرن هجدهم بوده است. لازم به ذکر است که آموزش رشته حقوق در تمامی دانشکده‌ها و گروه‌های حقوق در این کشور با تأکید بر اهمیت قانون به عنوان منبع اصلی حقوق جریان دارد.

۲- آموزش رشته حقوق در فرانسه

آموزش رشته حقوق در فرانسه، مبتنی بر تجزیه و تحلیل انتقادی و تأملی بر مسایل حقوقی است. شناخت قواعد ضروری است اما مهم‌تر از آن توانایی تفسیر، تجزیه و تحلیل و انتقاد است که امکان فهمیدن کاربرد قاعده جدید و اهداف آن را نشان می‌دهد.

دوره‌های آموزشی دانشگاهی فرانسه سه‌گانه بوده و در پایان آن مدرک ملی در ۳ درجه اعطا می‌شود: لیسانس (سه سال) مستر Master (پنج سال) و دکتری (هفت سال).

آموزش حقوق در دانشگاه‌های فرانسه به دو صورت است: کلاس درس و کارهای تحقیقاتی و عملی. اگرچه کلاس‌های درس عموماً با تعداد زیادی دانشجو برگزار می‌شود در جریان دوره‌های عملی یا کارهای تحقیقاتی حدود ۳۰ دانشجو تحت نظر اساتید، درس‌های قضایی را بصورت عملی تجربه می‌کنند که موجب تعمیق شناخت و آگاهی نظری کسب شده گردد.

کتابخانه دانشگاه‌ها دارای بسیاری از کتب حقوقی فرانسه و سایر کشورهاست و مجلات حقوقی در اختیار دانشجویان قرار می‌گیرد. استفاده از اینترنت نیز مشکل کمبود احتمالی منابع درسی را مرتفع نموده است.

رشته‌های کارشناسی ارشد بر اساس نیازها و ظرفیت‌های موجود تعریف می‌شوند. این رویکرد به کاربردی کردن دانش حقوق و ایجاد گرایش‌های جدید در این رشته مانند حقوق تجارت بین‌الملل، حقوق محیط زیست و ... کمک می‌کند.

ج- آسیب‌شناسی رشته حقوق در ایران

پس از مقایسه آموزش وضعیت رشته حقوق در ایران با وضعیت این رشته در فرانسه، موارد زیر به عنوان نتیجه آسیب‌شناسی صورت گرفته بیان شدند:

— عدم وجود فضای مناسب و کافی برای کار عملی دانشجویان به دلیل کمبود امکانات و مشکلات مالی قوه قضائیه و نیز تعداد زیاد دانشجویان

— عدم تناسب مواد و منابع رشته حقوق با توسعه و تنوع گرایش‌ها و مباحث حقوقی و پیچیدگی ناشی از این تنوع

— ناهماهنگی و عدم تناسب دروس با حجم موضوعات اجتماعی (به روز نشدن واحدهای درسی)

— کمبود کتب و منابع درسی در برخی رشته‌های حقوق

— کاهش سطح کیفیت آموزش و پژوهش در رشته حقوق به دلیل پذیرش بی‌حساب و برنامه‌دانشجو در گروه‌های متعدد حقوق دانشگاه‌های مختلف کشور.

دکتر توسلی در پایان با جمع بندی کلی مباحث مقاله چنین اظهار داشتند که دانشگاه‌های کشور تنها در مورد رشته حقوق تنها شاهد تحول کمی بوده و از بعد کیفی پیشرفتی در نداشتند. بجای تحلیل انتقادی و تأمل بر مسائل حقوقی و هدایت دانشجوی به سمت تفکر در مسائل حقوقی، صرفاً تجزیه و تحلیل قوانین و ارائه تئوری‌های حقوقی در دستور کار اساتید قرار دارد. تعداد کم دروس عملی توجه بیش از حد به مباحث تئوریک را نشان می‌دهد که ضعفی اساسی در تعمیق کارآمدی مباحث است.

به روز کردن منابع درسی و آموزشی متناسب با پیچیدگی و نیازهای جدید، افزایش نشریه‌های حقوقی و گرایش بیش‌تر به سمت کارهای عملی و ارتباط بیشتر با نهادهای تأثیرگذار بر رشته حقوق می‌تواند در بهبود وضعیت رشته‌های حقوقی و آموزش آن در کشور مؤثر باشد.

پس از ارائه مقاله توسط دکتر توسلی، از خانم زهرا گواهی، استادیار و مدیر گروه فقه و حقوق دانشگاه پیام نور مشهد برای حضور در جایگاه جهت ارائه مقاله دعوت بعمل آمد.

عنوان مقاله: جایگاه فقه و مبانی حقوق اسلامی در نظام دانشگاهی کشور

نویسنده مقاله در ابتدا با بیان مقدمه‌ای اظهار داشتند که هدف مقاله بررسی جایگاه «فقه و مبانی حقوق اسلامی» در ارتباط با رشته حقوق با نظریه وضعیت این دو رشته به عنوان دو شاخه مجزا در دانشگاه‌های کشور و دایره منطبق در حوزه اشتغال است (نظیر مشاغل قضایی، وکالت و مشاوره حقوقی، سردفتری و...).

چرا این دو رشته تحصیلی مجزا در نهایت به وحدت شغلی می‌رسند؟ علت گریز رشته حقوق از این گرایش چیست؟ چگونه است که رشته حقوق همسایگی با رشته‌های ناهمگون را در دانشکده‌های علوم اداری و اقتصاد و ادبیات می‌پذیرد ولی هم دانشکده شدن با فقه و مبانی حقوق را بر نمی‌تابد؟ مقاله بدنبال پاسخ به این سؤالات است.

برای ورود به بحث اصلی مقاله نویسنده به سه دیدگاه رایج در خصوص رابطه فقه و حقوق اشاره می‌کند:

۱- دیدگاهی که فقه و حقوق را یکی دانسته و تفاوتی میان آن دو نمی‌بیند. از این نظر فقه و حقوق از جنس واحد هستند. اگرچه به لحاظ چند و چون بین مسائل فقه در اسلام و حقوق در کشورهای غیر اسلامی تفاوت هست، از نظر طبع و ماهیت فرقی میان فقه و حقوق نیست.

۲- گروه دیگر رابطه فقه و حقوق را تباین و قیاس مع الفارق دانسته و بر جنبه شرعی و الهی فقه و بشری حقوق اشاره کرده‌اند. از نظر این گروه از آنجا که فقه از سوی خداوند بوده و کامل است جامعه از پرداختن به حقوق بی‌نیاز می‌باشد. ثابت بودن فقه و پیوستگی آن با اخلاق نیز امتیازات دیگر فقه نسبت به حقوق است. این دیدگاه از انتقاد مصون نبوده است. تقدیس بخشی فوق‌العاده به فقه مانع از تحلیل علمی و نظریه‌پردازی، رشد و بالندگی آن شده است.

۳- از منظری دیگر رابطه فقه و حقوق، عموم و خصوص من وجه است چرا که فقه دارای احکام وضعی و تکلیفی است. مورد افتراق فقه از حقوق بخش عبادات و نقطه افتراق حقوق از فقه قوانین اجرایی در سازمان‌ها و ادارات داخلی و خارجی، وزارتخانه‌ها و ... است. نقطه اشتراک فقه و حقوق نیز عمدتاً مربوط به معاملات، حقوق جزا و برخی موضوعات حوزه حقوق عمومی و وظایف فرد نسبت به جامعه است.

گروهی نیز رابطه فقه و حقوق را عموم و خصوص مطلق دانسته و فقه را از آنجا که مباحث حقوقی را در برمی‌گیرد نسبت به حقوق عام و علم حقوق را به دلیل آنکه شامل مباحث فقهی نمی‌شود، خاص معرفی کرده‌اند. رابطه فقه و حقوق را همچنین می‌توان با نظر به منابع هر یک از آنها بررسی نمود.

منابع اختصاصی فقه: قرآن، سنت، عقل و اجماع، استنباط و استخراج...
منابع علم حقوق: حقوق موضوعه دیگر کشورها، نظام‌های حقوقی کامن لاء، رومی ژرمنی؛
منابع مشترک فقه و حقوق: عرف، عقل، استلزامات عقلیه، شرایط و مقتضیات زمانی، رویه قضایی و ...

اما رابطه فقه و حقوق تعامل است یا تقابل
نویسنده مقاله با اشاره به تأثیرگذاری و رابطه پیچیده این دو حوزه بر یکدیگر معتقد است نمی‌توان میان فقه و حقوق تقابل و تباین یافت بویژه نظر به رابطه این دو در کشورهای چون جمهوری اسلامی ایران و حضور فقه در حکومت سخن از تعارض این دو عرضه محلی از اعراب ندارد.

با این حال در مقام اجرا گاه میان قواعد و قوانین حقوقی و قواعد فقهی تعارضاتی روی می‌دهد که چالش‌برانگیز است نظیر مجازات شرعی زانی (سنگ سار کردن) که بنا به ملاحظات اجتماعی صورت‌های دیگری می‌یابد و مواردی از این قبیل.

البته راه حل‌هایی برای رفع چالش‌های فوق پیش‌بینی شده از جمله صدور احکام ثانویه بر اساس مصلحت و شرایط زمان و مکان. به عبارت دیگر فقه می‌تواند ضمن تأکید بر

چارچوب ثابت بصورتی فعال و پویا در حل چالش‌ها و معضلات احکام فقهی و قوانین موضوعه وارد عمل شود. در این راستا می‌توان با بررسی متون درسی رشته فقه و بازنگرایی در آن مباحث غیر مبتلا به شرایط امروزی را در برنامه درسی خارج نموده و بحث از مسایل مستحدثه و نوظهور را جایگزین آن نماید.

خانم گواهی با اشاره به وحدت شغلی دو رشته فوق بر ضرورت نزدیکی هرچه بیشتر واحدها و محتوای درسی رشته فقه به حقوق تأکید داشته و در پایان راه‌حلی‌هایی را برای تعامل بیشتر فقه و مبانی حقوق اسلامی و حقوق پیشنهاد نموده‌اند، از جمله:

— مستقل شدن گرایش فقه و حقوق اسلامی از رشته الهیات و یا جای گرفتن در شمار گرایش‌های حقوقی تحت عنوان «حقوق اسلامی» و خروج از حالت میان‌رشته‌ای

— تغییر و اصلاح متون فقهی و افزایش واحدهای عملی و کاربردی حقوقی

— کاربردی کردن پژوهش‌های فقهی و اصولی

— تقدس‌زدایی افراطی و اغراق‌آمیز فقه و رواج نقد و تحلیل محتوای کتب فقهی

با به پایان رسیدن ارائه مقاله خانم گواهی، دکتر سید مهدی دادمرزی برای ارائه مقاله در جایگاه حاضر شدند آقای سید مهدی دادمرزی طلبه مقطع خارج و عضو هیأت علمی و نیز مدیر گروه حقوق خصوصی دانشگاه قم می‌باشند. عنوان مقاله: ضرورت آموزش فقه در رشته‌های حقوق

نویسنده مقاله در مقدمه خود برای ورود به بحث اصلی ضرورت آموزش فقه در رشته حقوق را به دو صورت ضرورت دستوری و ضرورت عینی و فرا دستوری مطرح کرد و عنوان نمود که ضرورت چنین آموزشی به لحاظ فلسفی، تاریخی، تحقیقی و پژوهشی، تفضیلی و قضایی ضرورتی عینی و ملموس و قابل شناسایی است.

به اعتقاد ایشان از آنجا که فقه از منابع حقوق موضوعه ماست نمی‌توان بدون مراجعه به فقه به شناخت عالمانه حقوق ایران به خصوص در زمینه‌های مدنی و کیفری نایل آمد بنابراین ضروری است که آموزش فقه در رشته‌های حقوق در مقاطع مختلف همواره مدنظر باشد.

دکتر دادمرزی در ادامه به توضیح ابعاد مختلف ضرورت آموزش فقه پرداختند.

ضرورت فلسفی: مهمترین سؤال فلسفه حقوق پرسش از دلیل عقلی توجیه‌کننده الزام نهفته در قانون است. مطابق اصول فلسفی مکتب اسلام، خالق انسان برای او، غایتی در نظر گرفته و جهت نیل به آن غایت برنامه‌ای را از طریق وحی در اختیار او قرار داده‌است.

چنانچه انسان به این برنامه بی تفاوت بوده و خود را مطیع آن فرمان نداند مرتکب ظلم شده و قبح ظلم از بدیهیات اولیه عقلی است.

خداوند چون مالک است عقلاً تنها او می‌تواند الزام کند و چون حکیم و عالم است محتوای این الزامات نیز موجه خواهد بود. از طرفی چون انسان‌ها نسبت به هم در یک رتبه هستند هیچ کس نسبت به دیگری سلطه ندارد مگر آنکه از ناحیه سلطان مطلق چنین حقی به او داده شده‌باشد. این سلطه پس از پیامبر اکرم (ص) به امام معصوم -علیه‌السلام- و از سوی امام به ولی‌فقیه تفویض می‌شود (براساس منطوق شیعه) فقها به عنوان نمایان عام معصوم، براساس سازو کار اجتهاد، به کشف عینی آراء تشریحی خالق دست می‌یابند. تکاپوی روشمند فقها، فقه نامیده می‌شود.

قوانین موضوعه تنها براساس مدل فوق، برگزیده‌های فقهی حاکم است و به این ترتیب عقلاً الزام‌آور شناخته می‌شوند لذا تفکیک میان فقه و حقوق معقول نخواهد بود. گزاره‌های حقوقی الزام‌آور نیز گزاره‌هایی هستند که از مشروعیت فقهی برخوردارند.

ضرورت تاریخی حقوق موضوعه ایران همزاد مشروطیت است، مهم‌ترین متن قانونی بعد از مشروطیت (قانون اساسی و بویژه متمم آن) ملزم به انطباق مقررات موضوعه با احکام و مقررات دین اسلام بود.

دکتر کاتوزیان نیز جایگاه حقوق مدنی را (به عنوان مادر تمام نظام‌های حقوقی از جمله ایران) در کشور مدیون زحمات و نوشته‌های عمیق فقهای اسلام می‌داند. نویسنده مقاله با بررسی متون و شواهد گوناگون نویسنده به این نتیجه رسیده است که ریشه داشتن حقوق موضوعه در فقه پدیده‌ای مولود یک نوع حاکمیت خاص سیاسی در یک برهه تاریخی خاص نبوده بلکه به اقتضای وضع طبیعی صورت گرفته است.

ضرورت تحقیقی و پژوهشی قرار داشتن فقه در شمار اصلی منابع حقوق موضوعه ایران و تجلی آن در آثار علمی دانشمندان حقوقی کشور توجه به فقه را در تحقیقات حقوقی به صورت یک ضرورت پژوهشی درآورده است. عمق اندیشه‌های مطرح در فقه نه تنها حقوق‌دانان داخلی بلکه پژوهش‌گران غیرمسلمان خارجی را نیز به خود جلب نموده است. (نویسنده به شماری از مؤلفین خارجی و آثار آن‌ها در این حوزه استناد کند). توجه به کتاب‌های فقهی حتی در آثار مستشرقین نیز به چشم می‌خورد (ویلیام جونز با کتاب موایث در شریعت اسلامی، اروین گراف با رساله «صید و ذباحت در شریعت اسلامی» و...) البته باید توجه داشت که روح حاکم به آموزه‌های فقهی خدا محوری و شالوده نظام‌های حقوقی مطرح امروز دنیا اومانیزم و انسان‌خدایی برآمده از مکاتب پوزیتیویستی است و

لذا مستشرق و حقوق دان غربی با آشنایی ناقص خود از نظام حقوقی اسلام در صدد بر نمی آید که آن را به عنوان سیستم و نظامی کارآمد برای کشور خود معرفی نماید هرچند برای استفاده موردی از آن آمادگی دارد. اما جایگاه این نظام می بایست در کشورهای اسلامی ارتقا یابد.

ضرورت تقنینی آموزش فقه

افاضه حاکمیت به انسان از سوی خدا در حوزه های چون تقنین محدود به اختیارات تعیین شده است. عدم تعارض با تشریحات خالق، مسأله ای است که باید در این محدوده به آن توجه داشت. چنین تمهیدی در جمهوری اسلامی ضمن اشاره صریح در قانون اساسی به اختیارات مجلس شورای اسلامی، با مقرر ساختن نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس، مورد توجه قرار گرفته است بنابراین براساس عالی ترین متن قانونی کشور اگر فقه اسلام در مقام تقنین و قانون گذاری نادیده گرفته شود مشروعیت آن قانون با چالش جدی مواجه خواهد شد.

ضرورت قانونی و قضایی آموزش فقه پیش از این صورت قانونی دادن مراجعه به فقه با مشکلاتی روبرو بود اما تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ این دغدغه را برطرف نمود و تمام ضرورت های عینی فوق الذکر در حکم قانون (برخوردار از ویژگی الزام آوری) انعکاس یافت. برای مثال در اصل ۱۶۷ قانون اساسی آمده است: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استفاده از منابع اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و...»

دکتر دادمرزی در پایان با اشاره به ظرفیت های آموزش فقه در رشته حقوق نسبت به کارآمدی آموزش های فقهی دانشجویان حقوق ابراز تردید نموده و آسیب شناسی این پدیده را منوط به بازنگری در متون آموزشی مربوط، ساز و کار گزینش استاد، مهارت های آموزشی و ظرفیت های قانونی در نظر گرفته شده در آموزش حقوق دانستند، و برای ظرفیت های قانونی پیشنهاداتی ارائه کردند:

— گنجاندن درس مقدمه علم فقه در برنامه کارشناسی حقوق با بحث هایی از فلسفه فقه، منابع فقه، روش شناسی فقه رابطه فقه و حقوق و...

— یکی از چهار عنوان درس متون فقه موجود در حوزه یا درسی مستقل به «فقه متقارن» اختصاص یابد تا با مواضع سایر مکاتب فقهی اسلام نیز آشنایی حاصل آید.

— یکی از چهار عنوان متون فقه موجود یا درسی مستقل به «فقه مستحدثه» اختصاص یابد تا دانشجویان به فقه به عنوان دانشی پویا بنگرد.

— در مقطع ارشد حقوق جزا نیز مانند حقوق خصوصی درس اصول فقه اضافه شود
— پایان‌نامه‌هایی با جهت‌گیری در رشته‌های جدید حقوق (حقوق مالکیت فکری و
هنری) تشویق شوند تا در آینده منابع لازم برای تکثیر عناوین درسی فقهی در این رشته‌ها
آماده گردد.

در فاصله ارائه دکتر دادمرزی تا ارائه مقاله بعدی زمان کوتاهی برای پذیرایی و استراحت
میهمانان در نظر گرفته شد. از میهمانان حاضر در همایش خواسته شد با تکمیل نمودن فرم‌های
طراحی شده و درج سوابق فعالیت علمی و پژوهشی خود در زمینه همکاری و ارتباط بعدی
پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و علوم انسانی را فراهم ساخته و این مرکز را از پیشنهادات و نظرات
ارزشمند خود بهره‌مند نمایند.

مقاله بعدی مقاله‌ای با عنوان " فقه جزایی، جاودانگی و پاسخگویی " و نوشته دکتر عادل
ساریخانی، استاد یار دانشکده حقوق دانشگاه قم، بود که برای ارائه در این قسمت از برنامه‌های
همایش در نظر گرفته شده بود.

دکتر ساریخانی با بیان این مطلب که فقه عهده دار سه امر مهم یعنی جهانی بودن، جاودانگی و
فراگیری است بحث خود را آغاز نمودند. از نظر ایشان اصل خاتمیت پیامبر و اصل اکمال دین به
همراه آیات متعدد قرآن و سخنان پیامبر و ائمه معصومین همگی صحت این ادعا را مورد تأیید و
تأکید قرار می‌دهند، سؤال اصلی مربوط به چگونگی پاسخگویی فقه و بخصوص فقه جزایی
نیازهای اساسی و نوپیدای انسان است، نیازهای متغیر و نامحدودی که روز به روز هم پیچیده‌تر
می‌شوند. مسائل مستحدثه در قلمرو فقه جزا بسیار فراوانند از جمله بحث‌های پزشکی چون کالبد
شکافی مسلمان، پیوند اعضا از مرده به زنده، باروری مصنوعی، سقط جنین، خرید و فروش و تزریق
خون و....

مقاله حاضر همچنین به بررسی توانایی کتب متون فقه مرسوم در دانشکده‌های حقوق مطرح
شده است. در پاسخگویی به این نیازهای جدید خواهد پرداخت.

بخش اول مربوط به تعاریف مفاهیم مورد استفاده در مقاله است.

فقه جزایی : شناخت نسبت به رفتار مثبت ممنوع و رفتار منفی ممنوع و شرعی می‌باشد. در
تعریفی دیگر فقه، علم به احکام شرعی از ادله تفضیلی، معرفی شده است، به این ترتیب فقه علمی
است مانند دیگر علوم که ابزار، اهداف و موضوعات خاص خود را دارد.

حقوق جزا: علمی که در آن قواعد حاکم بر تدوین قانون جزا و رسیدگی و اجرای مجازات و علل
سقوط آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد. علم حقوق جزا مرکب از علم و عمل است. مرز بین علم و
عمل این علم، مرز میان علم حقوق و فن حقوق است.

رابطه فقه جزایی و حقوق جزا:

رابطه زیادی میان این دو علم وجود دارد. فقه و حقوق گذشته از تفاوت‌ها، اشتراکات زیادی دارند. فقه جزا و حقوق جزا دارای دو جنبه علمی و عملی هستند. هر یک از این دو وجه خود دارای دو مرحله است.

- مرحله نظریه‌پردازی و به کارگیری متد و ابزار استنباط و تقنین
 - مرحله استنباط و وضع حکم شرعی و یا قانون
- با توجه به این موارد سه جهت در فقه و حقوق ملحوظ است:

- نظریه پردازی و تحلیل علمی
- استنباط حکم و وضع قانون
- اجرای احکام شرعی و قواعد حقوقی

ایشان در ادامه به آرا گروهی اشاره کردند که معتقدند رابطه‌ای میان فقه جزا وجود ندارد و به دلایلی در این زمینه استناد می‌کنند از جمله:

- حقوق ساخته انسان‌ها است و شریعت از نزد خدا، این دو را نباید با هم مقایسه کرد.
 - شریعت نقصی ندارد و کامل است و ما را از پرداختن به حقوق بی‌نیاز می‌کند.
 - قوانین و احکام شرع، فراگیر و تبدیل‌ناپذیر است ولی قواعد حقوق متغیر و وضعی است.
 - احکام شرع پیوند ناگسستنی با اخلاق دارد ولی حقوق چون خواهان نظم اجتماعی است ممکن است هنگام تعارض با یک قاعده اخلاقی آن‌را نادیده بگیرد.
- دکتر ساریخانی اشاره کردند که پاسخ‌های متقن و محکمی به هر یک از ایرادها داده شده است، (این پاسخ‌های در متن اصلی مقاله قابل دسترسی است). اساس پاسخگویی فقه به نیازهای امروز جامعه بشری چیست؟

الف) جامعیت فقه : نخستین ابزار پاسخگویی فقه شیعه جامعیت آن است که در همه زمان‌ها برای همه نسل‌ها در همه زمینه‌ها قابل عرضه است.

ب) توجه به عقل : فقه بر اصول بسیار قوی و دقیقی استوار است. ملازمات عقلی در بسیاری از مباحث مبنای اجتهاد و استنباط فقیه است. حتی در مواردی حکم عقل سلیم و قطعی بر حکمی که در روایتی به حسب ظاهر با حکم عقلی صریح سازگاری ندارد، مقدم می‌گردد.

ج) توجه به مصالح و مفسدات افعال

د) متعهد به ظواهر

ه) توجه به قواعد فقه جزایی

و) توجه به مسائل مستحدثه

ز) توجه به متد و سیستم استنباط

نویسنده مقاله در اشاره به کاستی‌های متون فقه جزا به موارد زیر اشاره کردند:

الف) عدم توجه به ابعاد اجتماعی و عینی: فقه در دایره رفتار فردی و عبادی رشدی تک بعدی داشته و همراه با تحول جوامع پیش نرفته است. علی‌رغم دگرگونی شتابنده روابط و مناسبات اجتماعی، فقه رشدی دور از این روند ادامه داد و در نتیجه تئوری اداره جامعه به تئوری مباحثه درون حوزه تبدیل شد. برای کارآمدی فقه باید از تقلید فراتر رفته و انظار گذشته را نقد نمود و تحولات مختلف متون جزا را مورد توجه قرار داد.

ب) عدم اهتمام کافی به فقه جزایی

ج) عدم توجه لازم به قواعد فقه جزایی و اصول فقه

د) ارائه نکردن درس آیات الاحکام

در پایان دکتر ساریخانی راه‌های کارآمد کردن متون فقه جزایی را به صورت ذیل مطرح نمودند:

الف) نظام وار کردن فقه و سیستمی نمودن آن از طریق

- افزودن به کمیت و کیفیت علم اصول فقه در تمام دوره‌ها
- اضافه نمودن درس روش تفسیر قوانین کیفری به عنوان کاربردی و عملی کردن
- آموزش‌های حقوقی، فقهی و اصولی

ب) غنی کردن دستگاه استنباط از طریق

- اجباری کردن حداقل ۲ واحد آیات الاحکام به دوره کارشناسی
- درس تفسیر آیات جزایی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی
- تدوین کتاب برای این درس
- نگاهی جدید به دو منبع اجتهاد، قرآن و عقل

ج) موضوع شناسی نسبت به موضوعات جدید و ارائه آن به فقه و یافتن پاسخ‌های لازم

د) احیای سنت تضارب فتوا (فقه مقارن و تطبیقی)

ه) توجه جمادی به مسائل مستحدثه و قرار دادن آن‌ها در حوزه‌های درسی

پس از ارائه مقاله دکتر ساریخانی، دکتر هادوی تهرانی با اشاره به وجوه قابل توجه مقالات ارائه شده بخصوص در حوزه رابطه فقه و حقوق و ضرورت بازنگری به جایگاه فقه، از توانایی‌های فقه در همراهی با شرایط روز سخن گفتند. به گفته ایشان در فقه به لحاظ احکام با دو دسته حکم مواجهیم که از این میان یکی غلبه بیشتری داشته و تصور رایج و غالب آن را فقه، به معنای واقعی می‌داند. یکدسته احکام ثابت و جهان‌شمول و دیگری احکام متغیر و موقعیتی.

احکام جهان‌شمول فقهی چه امضایی و چه تأسیسی مقدس اند و قدرت آن‌ها خدشه بردار نیست. احکام امضایی یا جهان‌شمولند یا موقعیتی، احکام موقعیتی مشمول شرایط زمانی شده و رنگ موقعیت می‌گیرند.

دکتر هادوی با اشاره به تعاملات دو سویه و گسترده فقه و حقوق به توانایی پاسخگویی به مسائل حقوقی به شیوه فقهی اشاره کردند و اظهار داشتند که می‌توان موضوعات را از حقوق و استدلال‌ات را از فقه اخذ نموده و احکام متناسب را استخراج نمود.

پس از پایان سخنان دکتر هادوی تهرانی به دعوت هیأت رئیسه آقای حسن صباحی برای ارائه مقاله خود با عنوان " تجزیه و تحلیل پیوند و ارتباط بین حقوق اداری و علوم اداری با تأکید بر مدیریت دولتی " در جایگاه حاضر شدند. آقای صباحی دانش آموخته حقوق عمومی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه شیراز هستند.



ایشان با بیان این نکته که موضوع دو رشته علوم اداری و حقوق اداری معطوف به بررسی اداره و سازمان‌های اداری است ارتباط این دو را بسیار نزدیک دانستند. نویسنده در توضیح مطالب مقاله اظهار داشتند که ابتدا به تعریف حقوق اداری و بخصوص مدیریت دولتی پرداخته و سپس ارتباط و تعامل دو رشته فوق‌الذکر را بررسی نموده‌اند به گفته ایشان حقوق اداری به عنوان یکی از گرایش‌های حقوق عمومی با سازمان‌های اداری سرو کار دارد در حالی که علوم اداری تمام جهات

و جوانب سازمان‌های اداری علی‌الخصوص جنبه‌های فنی آن را بررسی می‌کند. این پژوهش بر اساس موضوعات علوم اداری که از طرفی مورد علاقه حقوق‌دانان نیز هست شکل گرفته و امیدوار است افق‌های جدیدی را برای گسترش تئوری حاکمیت قانون بر اداره فراهم نماید.

مقاله که با تعریف علم اداره و مدیریت دولتی، حقوق اداری و تبیین مفهوم حاکمیت قانون بر اداره آغاز می‌شود، تأثیر و تأثر متقابل حقوق اداری و مدیریت دولتی را بر یکدیگر با توجه به اصل حاکمیت قانون و اصول فنی و دموکراتیک حاکم بر سازمان‌های اداری بررسی می‌کند.

در مدیریت دولتی با گرایش حقوقی سه نوع ارتباط بین حقوق اداری و مدیریت دولتی وجود دارد؛ ارتباط اول از طریق حقوق اداری صورت می‌گیرد به این معنی که حقوق اداری راه‌های حمایت از حقوق افراد در مقابل اداره را تعیین می‌نماید. ارتباط دوم از طریق قضایی کردن فرایند تصمیم‌گیری مدیران دولتی صورت می‌گیرد. به این صورت که مدیران را ملزم می‌کند تا در تصمیم‌گیری‌ها از اصول و قواعد حقوقی پیروی کنند. ارتباط سوم از طریق حقوق اساسی است که مقامات قضایی خود را حافظ و مسئول اجرای قانون اساسی در مورد حقوق و آزادی‌های افراد در برابر تجاوز مدیران دولتی می‌دانند.

اصول حقوقی حاکم بر تصمیمات مدیران دولتی

- اصل الزام به بیان دلایل
- اصل رفتار منصفانه و عادلانه
- اصل الزام مدیران دولتی به پاسخگویی به مردم

اصول فنی و مدیریتی حاکم بر تصمیمات دولتی

- تفویض اختیار
- سلسله مراتب اداری

توضیح مشروح هر یک از موارد فوق در مجموعه مقالات همایش آمده است.

آقای صباحی بحث خود را با بررسی رابطه و تأثیرات متقابل حقوق اداری و مدیریت دولتی ادامه داده و در نهایت نتیجه مطالعه خود را به این ترتیب اعلام نمودند که قانون برای اداره و مدیر و کارکنان آن هدف نیست بلکه حد و مرز اعمال اداری است، عدم رعایت این حد و مرز توسط مقامات اداری و مدیران باعث بطلان تصمیمات آنان می‌شود. اما هدف مدیران یک اداره وصول به اهدافی است که آن اداره یا سازمان به منظور وصول به آن اهداف تشکیل شده است. حقوق اداری به تعیین وظایف و اختیارات آنها می‌پردازد و در صورت تجاوز مدیران از حدود و اختیارات قانونی شان بر اعمال آنها نظارت و اقدام به ابطال تصمیمات آنها از طریق مکانیزم‌های قانونی پیش‌بینی شده می‌نماید. هدف حقوق اداری از این نظارت و دخالت، دفاع از حقوق مردم در مقابل

تجاوز سازمان‌های اداری و رعایت اصل عدالت و عدم تبعیض می‌باشد. حقوق اداری زمینه مشارکت مردم را نیز در تصمیم‌گیری‌های اداری فراهم می‌کند.

مقاله دیگری که در این بخش ارائه شد مقاله‌ای با عنوان "بازاندیشی آموزش حقوق در ایران" بود که دکتر عباس منصورآبادی، معاونت پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز به دبیرخانه همایش ارسال نموده بودند.

دکتر منصورآبادی با اشاره به سابقه آموزش حقوق در ایران از ضرورت بازنگری در سبک آموزشی این رشته با توجه به آثار و پیامدهای اجتماعی آموزش‌های حقوقی و تحولات چشم‌گیر حقوق و دانش‌های مربوط به آن در عرصه داخلی و خارجی سخن گفتند. از نظر ایشان فرایند آموزش حقوق نیازمند بازنگری است؛ کمیت و کیفیت پذیرش دانشجو نادرست است، دانش اساتید نسبت به تحولات جهانی به روز نیست، منابع درسی قدیمی و بعضاً فاقد ارزش و اعتبار علمی هستند. برنامه درسی و سرفصل دروس بسیاری از نیازهای امروزی را پوشش نمی‌دهند و....

تمامی این موارد موجب ناکارآمدی نظام آموزشی حقوق در جامعه ما گردیده و چاره‌جویی را ضروری می‌نماید.

تأکید اصلی نویسنده مقاله بر ارتباط سازنده، پویا و کارآمد میان رشته‌های علوم انسانی و رشته حقوق و ضرورت آموزش‌های حقوقی در مقاطع تحصیلی پیش از دانشگاه جهت فراهم نمودن آشنایی و توسعه مهارت‌ها جهت ادامه تحصیل در رشته‌های حقوقی است. مقاله درصدد ارائه راهکارهایی برای مقابله با مسائل فوق است.

در تأیید و ادامه سخنان دکتر منصورآبادی، دکتر خادمان از اعضای هیأت رئیسه بخش دوم همایش از ضرورت آموزش کاربردی و متناسب با نیازهای جامعه در سیستم آموزشی و دانشگاهی سخن گفتند. به نظر ایشان جامعه علمی نیاز به تربیت اساتید مطلع به مسائل روز و آشنا به مباحث فقهی (با توجه به پیوند رشته فقه و حقوق در ایران) دارد. باید از سرمایه‌ها استفاده شود و تنها به تقلید اکتفا نکرد. دکتر خادمان پژوهش سازنده را راه‌هایی از مشکلات عنوان کرده و آنرا مقدمه ارتقاء جایگاه علم و عالم دانست.

ایشان با ارزیابی همایش و نقاط قوت و ضعف آن، برای عملی کردن پیشنهادها و برنامه‌های ارائه شده ابراز امیدواری نموده و نیاز به حضور تصمیم‌سازان و افراد صاحب تأثیر اجرایی را در چنین نشست‌هایی متذکر شدند. دکتر خادمان ضمن بیان رابطه نزدیک حاکمیت و شرعیت در نظام جمهوری اسلامی فقه را موظف به ایفای نقش اصلی و اساسی خود دانستند و اظهار داشتند که اراده جدی و وسیع علمی نه در حوزه و نه در دانشگاه برای تحقق این امر وجود نداشته است.

دکتر جلالی، فارغ التحصیل رشته حقوق از دانشگاه‌های انگلیس نیز با بررسی " جایگاه رشته حقوق در دانشگاه‌های انگلستان و ویلز" ضمن ارائه نتایج مشاهده مستقیم و نزدیک خود از وضعیت رشته حقوق و آموزش آن در انگلیس ابراز امیدواری نمودند که در جهت شناخت و شناساندن ضعف‌های دانشکده‌های حقوق کشور، برطرف نمودن پاره‌ای از آن‌ها و تقویت ارتباط مراجع نظری و علمی حقوقی گامی مثبت برداشته باشند. بر اساس یافته‌ها و مشاهدات ایشان رشته حقوق مشهورترین رشته دانشگاهی در انگلیس است؛ آموزش‌های رشته حقوق در انگلیس و ویلز طوری طراحی شده‌اند که قدرت اندیشیدن انتقادی در مورد ماهیت و اهداف قواعد حقوقی را به دانشجویان اعطا نموده و فنون تحلیلی که برای ارزیابی وقایع و تشخیص و بکاربردن قوانین مربوط به آن‌ها نیاز است به آن‌ها بدهد، قدرت انجام تحقیق و پژوهش مستقل حقوقی در یک زمینه خاص حقوقی و یا قاعده خاص حقوقی را به دانشجویان ببخشد، توانایی ارائه مطالب حقوقی از طریق مقاله و توانایی کار گروهی را بدهد، دانش آنان را از طریق آموزش حقوق با زبان دیگر افزایش دهد، دانشجو را باید برای انجام کارهای متعدد حقوقی آماده سازد و نهایتاً فن استدلال را به آنان اعطا کند. چنین رویکردی را می‌توان در آموزش حقوق در دانشگاه‌های کشور مورد توجه قرار داد. با پایان زمان در نظر گرفته شده برای ارائه مقالات و رسیدن به زمان نماز، بخش دوم برنامه‌ها نیز به اتمام رسید و میهمانان جهت اقامه نماز و استراحتی کوتاه سالن را ترک کردند. پس از اقامه نماز، هیأت رئیسه آماده پاسخگویی به سؤالات حاضرین در همایش شدند و به تناسب سؤالات هر یک از اعضای هیأت رئیسه، پرسش‌ها را پاسخ گفتند. برنامه همایش با یک جمع بندی و تشکر از حضور میهمانان و مدعوین و اعطای هدایا به ارائه دهندگان مقالات و مدعوین خاتمه یافت. جمعه سوم آذر ماه، دبیرخانه و کمیته اجرایی همایش، برنامه‌ای را جهت پذیرایی و استراحت میهمانان در نظر گرفتند.

